

تحلیل ساختاری یادداشت روزانه دفاع مقدس (مطالعه موردی؛ پایی که جا ماند)

کوثر دانش^۱، عبدالحسین فرزاد^۲، احمد خاتمی^۳

چکیده

کتاب پایی که جا ماند نوشته سید ناصر حسینی‌پور با محوریت بیان خاطرات اسارت از طریق یادداشت‌های روزانه است. او در طی دوران اسارت با نوشتن یادداشت‌های روزانه به ثبت رئوس کلی وقایع پرداخته است. این پژوهش تحلیل ساختار و محتوای کتاب پایی که جا ماند و بیانگر تجربه شخصی نویسنده کتاب، مطابق با یادداشت‌های روزانه دوران اسارت وی است که با استفاده از زبان و واژگان و اصطلاحات ادبی، به توصیف دقیق جزئیات دوران اسارت پرداخته و تصویری زیبا و واقعی ارائه داده است که همانا بیان درد و رنج‌های دوران اسارت و زنده نگه‌داشتن یاد و خاطره شهیدان است. همچنین به دلیل بیان دقیق رویدادها می‌تواند ارزش تاریخی و استنادی در بیان وقایع تاریخی جنگ داشته باشد. زبان این اثر، بیانی روان و ساده دارد و متناسب با زمان و مکان شرح رویدادها (جنگ و اسارت) از لغات و اصطلاحات متناسب مانند بیسم چی، دیده‌بان، اردوگاه، سلول و... استفاده کرده است.

واژگان کلیدی: یادداشت روزانه، ادبیات بازداشتگاهی، اسارت، دفاع مقدس.

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. A.abdi۸۳۰@gmail.com
^۲ دانشیار گروه ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. abdolhosein.farzad@gmail.com
^۳ استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی تهران
تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۷/۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۱۱
a_khatami@sbu.ac.ir

مقدمه

پایداری، ایستادگی و مقاومت در برابر ظلم و بیداد در هر جایی و در هر دوره‌ای موجب ایجاد تحولاتی می‌شود که یکی از این تحولات ایجاد شده در حوزه هنر و ادبیات است. لذا، ادبیات پایداری و مقاومت نیز از دل این تحولات زاده شده است. از همین رو، ادبیات پایداری بستری را فراهم می‌آورد تا نویسنده از طریق آن، دغدغه‌ها و وقایع ناخوش‌آیندی که بر او و مردمش گذشته است را بازگو کند. «ادبیات مقاومت دربردارنده آثار ادبی‌ای است که از لحاظ مضمون و غایت مخاطب خود را به پایداری در برابر دشمن فرامی‌خواند و در ذات آن حقیقت‌خواهی و امید به آینده همواره فراروی خالق اثر - و بطن متن ادبی - وجود دارد.» (رحماندوست، ۱۳۷۹: ۴۶۶) ادبیات دفاع مقدس از دل ادبیات مقاومت و پایداری بیرون آمده است. شروع جنگ تحمیلی عراق به ایران، شروع ادبیات دفاع مقدس است. این ادبیات «به مجموعه سروده‌ها و نوشته‌هایی گفته می‌شود که درون‌مایه و موضوع آن‌ها به مسائل هشت سال دفاع مقدس و پیامد و تبعات آن باز می‌گردد.» (نجفی و صادقی نیا، ۱۳۹۵: ۳۴۷)

یکی از گونه‌های ادبی و جریان‌هایی که در ادبیات دفاع مقدس شکل گرفت و ذیل ادبیات پایداری و مقاومت قرار می‌گیرد، یادداشت روزانه‌نویسی است. نویسندگان این حوزه تلاش می‌کنند تا با بهره‌گیری از این نوع ادبی، فرهنگ، فضا و شرایط حاکم بر جبهه و جنگ و بعدتر از آن، اسارت را نمایان سازند. «خاطرات انقلاب و دفاع مقدس و دیگر خاطرات نگاشته شده در عصر انقلاب جز ارزش ادبی، ارزش تاریخی و جامعه‌شناسانه و مردم‌شناسانه ندارند.» (سنگری، ۱۳۹۲: ۷۶) یکی از زیرمجموعه‌های ادبیات دفاع مقدس و یادداشت روزانه نویسی، «خاطرات آزادگان (اسرا) جنگ تحمیلی است؛ اسرایی که بهترین سال‌های عمر خود را در زندان‌ها و اردوگاه‌های رژیم بعث عراق گذراندند و سخت‌ترین شکنجه‌های روحی و روانی را تحمل کردند.» (ایروانی، ۱۳۹۰: ۱۲) این‌گونه از ادبیات جنگ را در ادبیات جهان با عنوان ادبیات «بازداشتگاهی یا اردوگاهی» می‌شناسند. «خاطرات آزادگان جنگ تحمیلی بخشی از ادب پایداری و ادبیات جنگ است که تحقیق در این زمینه می‌تواند بخشی از ناگفته‌ها و حقایق جنگ و ارزش ادبی این‌گونه ادبی از ادبیات جنگ را نمایان سازد.» (همان: ۱۲) آنچه یادداشت روزانه‌نویسی را از گونه‌های دیگر مانند خاطره‌نویسی و زندگی‌نامه‌نویسی متمایز می‌کند، ثبت رخدادها با جزئیات و با فاصله‌ای اندک از آن رخداد است. «یادداشت‌های روزانه به‌ویژه اگر متعلق به کسی باشد که در حادثه‌های مهم حضور داشته است ارزش تاریخی نیز می‌بندد.» (سنگری، ۱۳۹۲: ۹۱) یادداشت‌های روزانه دوران جنگ و اسارت از این منظر قابل توجه و مهم است که ارزش استنادی و تاریخی دارند و جدای از اینکه خاطرات نویسنده از آن دوره را بازگو می‌کند، توصیفی دقیق و با جزئیات از رخدادها در اختیار مخاطب می‌گذارند که می‌توان آن را در حکم نوعی سند تاریخی و قابل استناد از وقایع و حوادث دانست.

بیان مسئله

پس از بروز انقلاب اسلامی تحولی چشم‌گیر، در بسیاری از حوزه‌های ادبی پدید آمد. مهم‌ترین دلیل این تحول چشم‌گیر، دگرگونی نگرش آحاد مردم و تلاش برای انتقال مفاهیم برخاسته از خواست و اراده جمعی بود. از این دوران به‌ویژه پس از پایان جنگ عراق و ایران (۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ ش) نوشته‌ها و یادداشت‌های متعددی منتشر شده است که روایتی فردی از این رویداد بزرگ اجتماعی است. اهمیت این یادداشت‌ها توجه به اصل شناخت اطلس و جغرافیای روایت‌های جنگ بوده است، به گونه‌ای که با خوانش تک‌روایت‌ها از حوادث جنگ می‌توان تصویری دقیق و قریب به عینی را از زبان شاهدان و افراد درگیر با رویدادها را برای درک روایت کلی جنگ دریافت کرد. (رنجبر، ۱۳۹۵: ۶۱) بر همین پایه، کتاب پایی که جا ماند شرحی دقیق از وقایع اسارت در جنگ ایران و عراق است. لذا ما در این پژوهش به تحلیل ساختار و محتوای این کتاب ارزنده که بارها تجدید چاپ شده و مخاطبانی گسترده یافته است، می‌پردازیم. بر همین پایه، درصدد پاسخ به پرسش ذیل هستیم:

- ساختار و محتوای کتاب پایی که ج ماند چگونه است؟

پیشینه پژوهش

مطابق پژوهش‌های صورت گرفته تنها یک اثر پژوهشی است که کتاب پایی که جا ماند را مستقلاً بررسی کرده است. در ادامه به دو اثر پژوهشی دیگر نیز اشاره می‌شود:

محمود رنجبر و مهتاب اسدی در مقاله «بررسی عناصر و جزئیات بافت در مجموعه خاطره «پایی که جا ماند»» (۱۳۹۹)، این کتاب را در قالب «خاطره‌نویسی» قرار داده و تلاش کرده‌اند تا مهم‌ترین عوامل زبانی و فرازبانی (پیرایه‌بانی) در کارکرد لایه‌های متعدد از عناصر و جزئیات بافت در خلق و بازتولید معنا را در رمان مذکور بررسی کنند.

منصور طبعی، مریم هاشم‌پور صادقیان و آزاده هوشیار در مقاله «مطالعه تجربه اسارت در جنگ ایران و عراق؛ بررسی رمان‌های «من زنده‌ام» و «حکایت زمستان» با استفاده از روش تحلیل کیفی» (۱۳۹۶)، تلاش کرده‌اند تا تجربه اسارت را در این نوع زندگی‌نامه‌های داستانی از منظر جامعه‌شناختی تحلیل کنند.

همان‌طور که مشخص است، کتاب پایی که جا ماند در این دست از پژوهش‌ها، عملاً در گونه «خاطره‌نویسی» یا «زندگی‌نامه‌نویسی» قرار گرفته شده است و نویسندگان تنها به بررسی «خاطره‌نویسی» یا «زندگی‌نامه‌نویسی» پرداخته‌اند. در پژوهش حاضر تلاش بر آن است تا از منظری دیگر، این نوع از یادداشت‌ها و نوشته‌ها درباره جنگ و اسارت بررسی شود؛ در ادامه به تحلیل ساختار و محتوای آن‌ها به‌عنوان نوعی از «یادداشت روزانه» در تمایز با خاطره‌نویسی و زندگی‌نامه‌نویسی نیز می‌پردازد.

مبانی نظری

یادداشت روزانه

یادداشت‌های روزانه یا روزنگاشته‌ها را نوعی نوشته تقویمی و تاریخ‌مند دانسته‌اند که نویسنده رویدادها، خاطرات روزانه و تجربه‌های خود را بیان می‌کند. با وجود اینکه این نوع از نوشته‌ها وجوه مشترکی با خاطره‌نویسی و زندگی‌نامه‌نویسی دارند، در عین حال از آن دو نیز متمایز هستند. یادداشت‌های روزانه می‌تواند دو ویژگی مهم داشته باشد: الف) اگر این یادداشت‌ها متعلق به فردی باشد که شخصاً در حوادث و رویدادهای مهم حضور داشته است، این نوع از یادداشت‌ها ارزش تاریخی و استنادی پیدا می‌کنند؛ چراکه به شرح و توصیف جزئیات وقایع می‌پردازند. به گونه‌ای که این نوع از یادداشت‌ها صریح، بی‌پرده، بی‌درنگ و ویراسته نشده به بیان تجربه، درک و دریافت نویسنده می‌پردازند و می‌توانند «مستندات ارزنده» تلقی شود؛ ب) چون این یادداشت‌ها تصاویری از حساسیت‌ها، موضع‌گیری‌ها، خواسته‌ها و زیربوم‌های زندگی نویسنده را نشان می‌دهند، چنانچه نویسنده دارای تجربه نویسندگی باشد و از چاشنی ذوقی در نوشتن بهره گرفته باشد، این نوع از یادداشت‌های روزانه ارزش ادبی نیز پیدا می‌کنند. (سنگری، ۱۳۹۲: ۹۱) نویسندگان این حوزه می‌توانند با استفاده از خاطرات، یادداشت‌های روزانه، گزارش‌ها و سفرنامه به خلق آثاری در گونه‌هایی نو پردازند: ۱. یادداشت - خاطره؛ ۲. خاطره - یادداشت؛ ۳. زندگی‌نامه - خاطره؛ ۴. داستان - خاطره؛ ۵. یادداشت - گزارش؛ ۶. گزارش - یادداشت؛ ۷. داستان - زندگی‌نامه؛ ۸. خاطره - داستان و... «این رویدادهای ادبی بستگی به جریان غالب وجودی نویسنده دارد مثلاً اگر نویسنده گرایش غالب وجودی‌اش به سمت داستان باشد از عناصر داستانی بهره بیشتری در نوشته‌هایش خواهد برد و صبغه داستانی آثارش پررنگ‌تر و شاخص‌تر خواهد شد.» (سنگری، ۱۳۹۲: ۹۲)

تفاوت یادداشت روزانه و خاطره‌نویسی

خاطره‌نویسی، «اثر و نوشته‌ای است که نویسنده در نتیجه یادآوری ارادی شرح حال و حوادث و رویدادهای سپری شده در زمان و مکان معلوم - که به دلیل حضور یا مشاهده و استماع از آن‌ها اطلاع یافته است - پدید می‌آید و در آن چگونگی وقوع حوادث و رویدادها منعکس شده است.» (کمری، ۱۳۸۱: ۵۷) «آنچه تفاوت یادداشت روزانه با خاطره است ثبت رخداد به موازات و تقریباً با فاصله‌ای اندک با وقوع آن است در حالی که خاطره چنین نیست.» (سنگری، ۱۳۹۲: ۹۱)

تفاوت یادداشت روزانه و زندگی‌نامه

زندگی‌نامه اثر و نوشته‌ای است که نویسنده در آن به بیان شرح حال، حوادث، رویدادهای زندگی خویش و یادگیری‌هایش می‌پردازد و در آن چگونگی وقوع حوادث، زمان و مکان و علت رخدادها و... را شرح می‌دهد. (ایروانی، ۱۳۸۶: ۷۹) زندگی‌نامه، داستان زندگی فرد یا بخشی از زندگی او است که امکان دارد کس دیگری نیز آن را نوشته باشد، اما خاطره‌نگاری گونه‌ای شرح حال و

داستان زندگی خود آدم یا نویسنده به قلم خودش است. (قانونی، ۱۳۸۷: ۱۶ و ۳۳) خاطره‌نویسی، یکی از انواع ادبی و شکلی از نوشتار است که در آن، نویسنده، خاطرات شخصی خویش را؛ یعنی صحنه‌ها یا وقایعی از زندگی‌اش که در آن نقش داشته یا بیننده آن‌ها بوده است را بازگو می‌کند. (دهقان، ۱۳۸۶: ۱۳۷) ممکن است زندگی‌نامه‌نویس، سال‌ها و یا قرن‌ها با کسی که زندگی‌اش را نوشته یا می‌نویسد، فاصله داشته باشد. در زندگی‌نامه‌نویسی، خاطره یکی از منابع مهم و عمده زندگی‌نامه نویس به شمار می‌آید. (نورائی و ابوالحسنی ترقی، ۱۳۸۹: ۹۷) «یادداشت روزانه با زندگی‌نامه نیز تفاوت دارد. در زندگی‌نامه جزئی‌نگری‌های یادداشت روزانه نیست. بخش‌هایی از زندگی‌نامه گاه توصیف و بیان رخدادهایی است که سال‌ها بعد از وقوع نگاشته شده‌اند.» (سنگری، ۱۳۹۲: ۹۱)

روایت وقایع دفاع مقدس

شمار کسانی که به نگارش تجارب خود از حوادث دوران انقلاب اسلامی پرداخته‌اند، بسیار اندک است. برخی وقوع جنگ ایران و عراق را یکی از عوامل اصلی آن می‌دانند. جنگ تحمیلی و پیشرفت حیرت‌انگیز آثار خودنوشت، موجب شد تا حرکت اجتماعی مردم در انقلاب، در میان خاطرات و یادداشت‌ها، جایگاه خود را پیدا نکند. «هرچند در سال‌های اخیر، بعضی از سازمان‌ها، اقدام به مصاحبه با افراد انقلابی آن دوره کرده‌اند و این آثار به عنوان خاطرات شفاهی به چاپ رسیده است.» (دهقان، ۱۳۸۶: ۹۴) جنگ ایران و عراق، انحصار و محدود بودن خاطره‌نویسی را به طبقه‌ای خاص شکست و زمینه خاطره‌نویسی را برای لایه‌های زیرین جامعه فراهم کرد. (کمری، ۱۳۸۳: ۶۹) مردم معمولی از جمله کسانی هستند که به سوی جنگ نمی‌روند، بلکه جنگ به سوی آن‌ها هجوم می‌آورد. تجارب مردمی پیش از آنکه به رخدادها و وقایع جنگ بپردازد، به مصائب و دشواری‌هایشان در هنگام هجوم‌ها می‌پردازد. نوشته‌های نویسندگان که در زیر عنوان گروه‌های مردمی؛ خاطرات و یادداشت‌های زیادی به هنگام جنگ از خود برجا گذاشته‌اند، به خاطر برخورداری از جزئی‌پردازی و حس انسان‌دوستی، جزو میراث مکتوب ادبی کشورها شمرده می‌شود. (دهقان، ۱۳۸۶: ۴۵) یادداشت‌های روزانه عصر انقلاب و یادداشت‌های روزانه رزمندگان و فرماندهان هشت سال دفاع مقدس جزو یادداشت‌های روزانه محسوب می‌شوند. موضوعاتی مانند عملیات و تجربه رزمندگان، سرلوحه طرح‌های خاطره‌یابی، تاریخ شفاهی، زندگی‌نامه‌نویسی و... از وقایع جنگ است، اما در ادامه جریانی دیگر در روایت جنگ آغاز شد که در قالب یادداشت‌های روزانه شرحی از وقایع به دست می‌دهد. یکی از جالب‌ترین آن‌ها که شرحی دقیق از وقایع می‌دهد، همان یادداشت روزانه با موضوع اسارت در جنگ است.

تحلیل ساختاری و محتوایی

ساختار

ساختار زمانی شکل می‌گیرد که مجموعه‌ای از عناصر هسته‌ساز گرد هم می‌آیند و تحت تأثیر روابطی که با هم دارند، سبب ایجاد یک ساختار می‌شوند. «داستان حوادثی بی‌درپی است که حسب توالی زمان پیوسته، ترتیب یافته است، اما هسته داستان، آن قسمت از داستان است که نویسنده آن را برگزیده و با تکیه بر موجبیت و روابط علت و معلول نقل شده است.» (فورستر، ۱۳۸۴: ۱۱۸) نحوه ارائه هسته‌ها نیز بستگی به انتخاب نویسنده از عوامل شکل دهنده آن دارد. این عوامل، موجب زیبایی و تأثیرگذاری بر مخاطب می‌شود و عبارتند از: سبک نویسنده، طرح و بی‌رنگ، زاویه دید، صحنه‌پردازی، لحن، درون‌مایه و... (شیرشاهی، ۱۴۰۰: ۱۴۷)

محتوا

نخستین گام در تحلیل محتوا، بررسی محتوای فرهنگی است که مهم‌ترین زیر شاخه آن مردم‌شناسی است که بر اساس شخصیت‌پردازی شکل می‌گیرد. برای مثال در مردم‌شناسی به شخصیت‌های داستان (در رمان‌های اسارت، می‌تواند به رزمندگان، اسرا، دشمن یا عراقی‌ها)، در آداب و رسوم (به شرایط اسارت) و محتوای مذهبی بپردازد.

با توجه به دو مورد، ساختار و محتوا، تلاش می‌شود در ادامه به این عناصر محتوایی و ساختاری پرداخته شود. البته در اینجا تمرکز بر بیان برخی موارد اصلی است و به مختصر به موارد جزئی اشاره می‌شود.

بحث و بررسی

معرفی نویسنده و کتاب

سید ناصر حسینی‌پور متولد ۱۳۵۰ از شهرستان باشت است. او نویسنده، کارشناس ادبیات مقاومت، دیپلمات و نماینده مجلس شورای اسلامی دوره یازدهم است. حسینی‌پور در ۱۴ سالگی عازم جبهه جنگ ایران و عراق شد و دو سال به عنوان تخریب‌چی و دیده‌بان در عملیات والفجر ۸، کربلای ۴، کربلای ۵، والفجر ۱۰، نصر ۴ و... در تیپ ۴۸ فتح حضور داشت. او در سال آخر جنگ در جزایر مجنون با پاتک عراق، مجروح می‌شود و پای راست خود را از دست می‌دهد و به اسارت دشمن درمی‌آید. کتاب پایی که جا ماند یکی از شناخته‌شده‌ترین آثار حوزه ادبیات دفاع مقدس است که به زبان‌های دیگری نیز ترجمه شده است. عنوان پایی که جا ماند در واقع براءت استهلال و اشاره به محتوای داستان دارد. در واقع این رمان یادداشت‌های روزانه سید ناصر حسینی‌پور است؛ وی در ۱۴ سالگی با همراهی برادرش به جبهه می‌رود، اما در ادامه با توجه به استعداد ذاتی‌اش به واحد اطلاعات و عملیات (تخریب) اعزام می‌شود. داستان در روزهای پایانی جنگ اتفاق می‌افتد؛ وظیفه سید ناصر حسینی‌پور بررسی تحرکات نیروها و امکانات، عبور و مرور خودروهایی دشمن بر حسب روز، ساعت و دقیقه و نگارش و ثبت آن‌ها در فرم‌های مخصوص ثبت است. آن‌ها پس از عملیات بدر و خیبر وظیفه حفظ و حراست از مناطق مرزی جزیره مجنون و جاده خندق را دارند. عراق به این منطقه پاتک می‌زند، ولی با مقاومت نیروهای ایرانی مواجه

می‌شود. روزی پر از حوادث ناگوار و ناخوشایند است. در آن روز بسیاری از هم‌رزم‌هایش شهید و برخی دیگر اسیر می‌شوند و تنها یکی دو نفر از این معرکه جان سالم به در می‌برند. سید ناصر که پاهایش به شدت مجروح شده است به اسارت درمی‌آید و شاهد فجایع بسیاری است. داستان اصلی این کتاب گزارش اتفاقات روزهای اسارت او است:

«از همان روزهای اول اسارت سعی کردم دیده‌بان اتفاقات و حوادث ماندگار و درس‌آموز اسارت باشم. دیگر نیازی به دوربین و دکل نبود... خاطرات و اتفاقاتی‌های جالب را ثبت می‌کردم. این تاریخ‌ها و کدها را روی زر ورق سیگار، کاغذ سیمان و یا حاشیه روزنامه‌های عراق می‌نوشتم و در لوله عصایم جاسازی می‌کردم... روزهای آخر اسارت، شهریور ۱۳۶۹ در بیمارستان ۱۷ تموز در حبابیه این فرصت پیش آمد تا نوشته‌هایم را در این دفترچه کوچک جیبی پاک‌نویس کنم و موقع آزادی دفترچه را بین باندپیچی پای مجروح‌م به ایران آوردم. یک دفتر بیست برگی که سرگذشت خودم و دوستانم بود.» (حسینی‌پور، ۱۳۹۳: ۱۱-۱۲)

تحلیل ساختار

درون‌مایه

فکر اصلی حاکم بر درون‌مایه پایی که جا ماند، حضور جوانان و نوجوانان شهرهای مختلف در جنگ و پیامدهای آن به‌ویژه در دوران اسارتشان است. اگرچه در این کتاب حوادث، اشخاص و صحنه‌های متفاوتی از دوران جنگ نیز شاهد هستیم، اما آنچه نویسنده خواسته است به آن پیردازد نشان دادن دوران سرشار از مشقت و شکنجه‌های روحی و جسمی بسیاری از رزمندگان با وجود سن کم آن‌ها است که نشان‌دهنده انسانیتشان است؛ انسانیتی که سرانجام این اسارت را با تکیه بر ایمان و اعتقادات معنوی به ائمه و معصومین پشت سر می‌گذارد.

زبان

در یادداشت‌های روزانه تأکید بر رویدادها است. نویسنده در این اثر از زبان ساده و روان برای جلب مخاطب عام استفاده کرده است؛ تقدم و تأخر افعال و گاه حذف فعل در این نوع اثر دیده می‌شود.

لغات و اصطلاحات

از نظر به‌کارگیری لغات و اصطلاحات، بیشتر لغات متناسب با مکان‌ها (جنگ - اسارت) به کار رفته است؛ در قسمت جنگ از پاتک، حمله، لودر، دکل، تیر و گردان، لشگر، خط مقدم و بیسیم‌چی و در قسمت اسارت بیشتر از دژبان عراقی، گروهان عراقی، نگهبانان، پزشک اردوگاه، سلول، زندان الرشید، کمپ و... استفاده شده است. در برخی از موارد اسرا در دوران اسارت به دلیل فشار، خفقان و ضرب‌و‌شتم، مجبور بودند برای پاسخ به سؤالات یا جهت حفظ روحیه خود از زبان مبهم کنایه استفاده کنند. برای مثال،

«سید محمد لری تکه‌هایی به بعضی از عراقی‌ها می‌پراند که اگر می‌فهمیدند چه می‌گوید دمار از روزگارش در می‌آوردند. بعضی عراقی‌ها را به آدم‌های خاصی تشبیه می‌کرد.» (حسینی پور، ۱۳۹۳: ۲۸)

«یکی از افسران عراقی به سید محمد گیر داده بود که به امام توهین کند. او مرتب تکرار می‌کرد: اگله الموت للخمینی. سید محمد در جواب افسر گفت: المور جوسقیل للخمینی. افسر عراقی که خیال می‌کرد سید محمد به امام توهین کرده است، چند بار تکرار کرد: زین... (خوب... به همین خاطر، برای سید محمد شربت آورد و برای ما آب. سید محمد با همان لهجه‌ی لری غلیظ گفت: اوتون نبی، نون تون نبی، مرگ تون چه بی اومیت جبهه، بخیریت.» (همان: ۲۱۸)

کلماتی چون ایران و امام خمینی^(د) و عراق بیشترین بسامد را دارند در واقع نشان‌دهنده جنگ حروف و کلمات با یکدیگر پیروزی امام و ایران بر عراق است. (بر مبنای فهرست اعلام انتهای کتاب)

آرایه ادبی

در این‌گونه ادبی به دلیل گره خوردن این اثر با باورها استفاده از آرایه تضمین دینی مرسوم است که در بحث تحلیل محتوا به آن اشاره خواهیم کرد. تلمیح به واقعه عاشورا، سرزمین کربلا و آنچه بر امام حسین^(ع) گذشت در این اثر موج می‌زند: «مرتب از پشت بی‌سیم وقایع عاشورا و آنچه در کربلا گذشته بود، تکرار می‌شد.» (همان: ۵۳) با توجه به این که راوی خود شاهد و ناظر وقایع است و او از آینده خبر دارد و خبر از شهادت هم‌زمانش دارد، برخی از مطالب را پیش‌بینی می‌کند: «نیزارهای جزیره زیر قرص ماه شاهد راز و نیاز کسانی بودند که تا ساعاتی دیگر به مهمانی خدا می‌رفتند... خیلی از آن‌ها آخرین نمازشان بود.» (همان: ۳۵)

زمان

زمان در این‌گونه ادبی دارای اهمیتی ویژه است؛ زیرا در واقع علاوه بر دردها و رنج‌های دوران اسارت و دوری از وطن گذر از روزها و شاید سال‌های نوجوانی و جوانی اسیران در زندان گذشته است. جزئی از بهترین زمان زندگی‌شان را برای حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های خویش در جنگ و اسارت گذشته است. حسینی پور زمانی این کتاب را می‌نویسد که سال‌ها از جنگ تحمیلی گذشته است. کشور ایران در حال پیشرفت و آبادانی است. زمان در این اثر، زمان گذشته دارد و حوادثی را به تصویر می‌کشد که برای نویسنده از روز جمعه ۳ تیر ۱۳۶۷ تا ۲۷ شهریور ۱۳۶۹ اتفاق افتاده است. با توجه به گذر زمان و احتمال فراموشی برخی از وقایع، نویسنده بر اساس دست‌نوشته‌هایش تنها حوادثی را که بر اساس تاریخ که در جمله‌های کوتاه که هرکدام گرای خاطره و اتفاق خاصی بود، می‌نویسد. این اثر تنها بخشی (۱۸۷ روز) از دوران اسارت (۸۰۸) روزه او است. زمان دقیق هر حادثه در ابتدای هر روز نوشته شده است. نویسنده با وجود نداشتن تقویم برای محاسبه زمان،

با گره زدن بندهای پوتین یکی از هم‌زمانش، تقویمی را ابداع می‌کند تا بتواند زمان را محاسبه کند. می‌توان کتاب را برحسب زمان به سه دوره تقسیم کرد:

۱- جنگ و حمله خندق؛ ۲- زمان اسارت؛ ۳- آزادگی در ایران.

عموماً در یادداشت‌های روزانه، زمان به صورت دقیق بیان می‌شود؛ زیرا نویسنده پس از روی دادن حادثه‌ای آن را در جایی یادداشت می‌کند تا زمان و مکان اتفاق‌ها به فراموشی سپرده نشوند: «شنبه ۴ تیر ۱۳۶۷ شب از نیمه گذشته بود.» (همان: ۳۰) «ساعت سه و ربع بامداد در یک چشم به هم زدن آسمان جزیره صحنه آتش و انفجار شد.» (همان) «جمعه ۳ تیر ۱۳۶۷.» (همان: ۱۷) «یک ساعت قبل پستچی تیپ، نامه‌ها را از پادگان شهید غلامی آورده بود.» (همان: ۲۰)

فضاسازی مکان‌ها

مکان همچون زمان در پایی که جا ماند دارای اهمیت است. این نکته قابل توجه است که فصل‌بندی کتاب نیز برحسب مکان‌ها تهیه شده است. نویسنده نام یازده فصل کتاب را برحسب موقعیت جغرافیایی آورده است. حسینی‌پور اسم شهدا، اردوگاه و حتی مناطق عملیاتی را به صورت دقیق و جزئی بیان کرده است. مکان‌هایی که وقایع در آن اتفاق می‌افتد، واقعی هستند و ساخته و پرداخته تخیل نویسنده نیستند. توصیف دقیق و جزئی هر مکان به حدی است که می‌توان آن را تجسم کرد. به دلیل جایگاه نظامی (دیدهبانی) راوی تمام جزئیات مناطق عملیاتی را به تصویر می‌کشد. حتی گاهی برای توضیحات بیشتر از پاورقی استفاده می‌کند:

«بعد از ظهر بود ... نوبت تعویض شیفتم بود ... بالای دکل، رفتارهای دشمن تا عمق مواضع‌شان در خط اول و دوم را در فرم‌های مخصوص ثبت کرده بودم. عبور و مرور دشمن در آن سوی منطقه الکساره، البیضاء، الصخره، الهدامه و الکرام، تحرکات و نقل و انتقالات آنان در اتوبان العماره - بصره پشت کانال احدائی صویب و جاده‌های خاکی منتهی به جزایر مجنون، حکایت از یک پاتک سنگین داشت.» (همان: ۱۸)

به این دلیل که او دیده‌بان است سعی می‌کند تمامی مکان‌ها را به دقت نام ببرد. بیشتر حوادث در کشور عراق روی می‌دهد؛ زیرا عراقی‌ها پس از اسارت آن‌ها را به عراق می‌برند. مکان‌هایی که وی به آن‌ها اشاره می‌کند بیشتر زندان‌ها و اردوگاه‌هایی است که اسیران را به آنجا می‌بردند. زندان‌ها با نام‌هایی چون سلول، اردوگاه و کمپ نام‌گذاری شده‌اند و هرکدام مخصوص به اسیرانی با رده‌ها و عملیات متفاوت هستند. توصیف کامل فضای ظاهری زندان‌ها مثل رنگ و تعداد نظامیان برای درک بیشتر سختی‌ها و مشکلات دوران اسارت از رفتارها و شکنجه‌های اسیران توسط مسئولین زندان، کمبود امکانات در زندان‌ها از عدم رسیدگی مسئولین زندان، آزار و شکنجه توسط آن‌ها و از کمبود مواد غذایی و آب و سرویس بهداشتی و امکانات اولیه زندگی در زندان می‌نویسد. وی به گونه‌ای دقیق امکانات و اتاق‌های اردوگاه‌ها را توضیح می‌دهد که می‌توان به راحتی آن‌ها را تجسم کرد:

«کمپ مربعی شکل و مساحت آن حدود هزار متر مربع بود. به ستون سه، وارد کمپ شدیم.» (همان: ۳۴۶)

«بازداشتگاه پر بود از خاک، سوسک و تار عنکبوت. انگار سال‌های سال کسی در آن زندان به سر نبرده بود... سی نفر در بازداشتگاه ما زندگی می‌کرد. مساحت بازداشتگاه ۴×۴/۳۰ بود... سه ردیفه و به عرض خوابیدیم. در هر ردیف ده نفر می‌خوابید. هر نفر چهل سانت از عرض را اشغال می‌کرد و ۱۴۳ سانت از طول. در عرض اگرچه شانه‌به‌شانه هم می‌خوابیدیم، اما قابل تحمل بود. مشکل در طول بود. اگر متوسط قد را ۱۷۰ سانت می‌گرفتیم، هر نفر بیست و هفت سانت باید کوتاه‌تر می‌شد تا در طول می‌توانست پاهایش را دراز کند و راحت بخوابد.» (همان: ۳۵۲)

گفت‌وگو

عنصر گفت‌وگو نقش مهمی در رمان پایی که جا ماند ایفا می‌کند. گرچه گفت‌وگوها میان اسیران ایرانی و نگهبانان عراقی بیان شده است، اما همه گفت‌وگوها به همان زبان اصلی گوینده (فارسی - عربی) عیناً در کتاب نگاشته شده است.

«یکی از فرماندهان عراقی که سعی داشت امام را مسبب همه گرفتاری‌ها و شکنجه‌های اسرا معرفی کند، با طعنه به مجروح مازندرانی گفت: قراره شما تو عراق چه پیامی را به ما برسانید، حالا خمینی کجاست که بیاد کمکت کنه، با این وضعی که داری می‌خوای چه کار کنی، با این زخم‌های شکمت چه کار می‌کنی، حالا خمینی بیاد کمکت کنه؟ مجروح ایرانی که رمق در بدن نداشت، لب‌های تشنه‌اش را به هم فشرد، نم دهانش را به زور قورت داد و در جواب سرهنگ گفت: من تو جبهه مدت‌ها تو عقیدتی سپاه کار کردم. برای بچه‌ها درس نهج‌البلاغه می‌دادم. فقط می‌تونم جواب شما رو با یه شعری از نهج‌البلاغه بدم. امام علی (ع) می‌فرماید:

فان تسألینی کیفیت انت؟ فاننی صبورٌ علی ریب الزمان صلیبٌ

یعز علی ان تری بی کابه فیشمتٌ عاد اویساء حییبٌ

نیازی به ترجمه این شعر نبود. سرهنگ که خودش عرب بود، مات و مبهوت از جواب مجروح مازندرانی فقط نگاهش می‌کرد. از قیافه و حالاتش پیدا بود انتظار جواب به این زیبایی را نداشت. احساس کردم مثل بادکنکی که بادش را خالی کنند، سرهنگ پنچر شده بود! او را نزدند. سرهنگ با هیچ‌یک از اسرا بحث نکرد.» (همان: ۲۳۷)

صحنه

صحنه‌پردازی در این کتاب نقش بسیاری در تأثیرگذاری و جذابیت کتاب دارد. صحنه‌ها در این کتاب چنان پرداخته شده‌اند که هنگام خواندن هر واقعه، خواننده غرق در صحنه می‌شود و از هر چیز دیگر فارغ. سراسر کتاب را صحنه‌های متفاوتی دربر می‌گیرد، صحنه‌هایی از جنگ، مظلومیت شهیدان و اسیران، صحنه‌هایی که هبوط انسانیت را در افسران عراقی به خوبی نشان

می‌دهد. از سوی دیگر صحنه‌پردازی‌های قوی و حقیقی بودن و بکر بودن وقایع از جمله دلیل جذابیت این کتاب است. چینش صحنه‌ها به گونه‌ای مناسب به کار رفته‌اند که ابتدای کتاب تا به انتهایش پیوستگی و انسجام بسیار فراوانی دارند و گویی در همین لحظه در حال روی دادن است و مخاطب شاهد این صحنه‌ها است. برای مثال:

«آن‌ها بدون برانکارد مرا روی زمین کشیدند و به راهروی توالت‌های پادگان بردند. توالت‌ها راهروی بزرگ و جاداری داشت. دیروز اسرای پد خندق را به آنجا آورده بودند. چند مجروح که آن‌ها را نمی‌شناختم آنجا بودند. سر و صورت یکی‌شان کبود و خون‌آلود بود. تعدادی از بچه‌ها در آسایشگاه‌های کناری بودند. راهروی توالت خیس و پر از نجاست بود. خستگی و رنج در چهره بچه‌ها موج می‌زد. مجروحین روبه‌روی در توالت‌ها پشت به جایی که شیرهای آب بود، نشسته بودند. توالت‌ها آب نداشت. در راهروی توالت روده‌های احمد سعیدی از شکمش بیرون ریخت.» (همان: ۱۵۳)

زاویه دید

زاویه دید در پایی که جا ماند شیوه‌ای است که معمولاً بر توصیف و تشریح وقایع جنگ و چگونگی اجرای یک عملیات، نویسندگان ادبیات جنگ آن را به کار می‌گیرند. در این اثر زاویه دید، از نگاه اول شخص است که وقایع از زبان وی روایت می‌شود. این اثر فاقد شخصیت داستانی بوده و سعی بیشتر نویسنده، ترسیم فضای جنگ، چگونگی رویدادها و چگونگی شهادت و اسارت افراد است. ساختار موضوعی این زاویه دید به قرار ذیل است:

ثبت وقایع

در این اثر، نویسنده در پی ثبت و ضبط حوادث است که در جبهه‌های نبرد اتفاق افتاده است. در برخی بخش‌ها این واقعیت‌نویسی چندان توفیری با گزارش‌های یک خبرنگار ندارد. نشر غیرداستانی، لحن گزارش‌گرانه و پای‌بند بودن به آنچه رخ می‌دهد، عدم شخصیت‌پردازی، توجه به مخاطب از جمله عواملی است که گاه این اثر را به گزارشی واقع‌گرایانه نزدیک می‌کند.

تحلیل، تفسیر و دادن اطلاعات

نویسنده در این اثر قبل از اینکه دغدغه آفرینش یک داستان با شخصیت‌های ویژه داستانی را داشته باشد، سعی در نشان دادن چهره واقعی متجاوز و پرده برداشتن از جنایت‌های بعضی‌ها در جنگ را دارد. هرچند او فاجعه بزرگ و نحوه شهادت مادر، خواهر و برخی از دوستانش را توسط بعضی‌های عراقی‌ها را در پاورقی آورده است، ولی در دوران اسارت برایشان سالگرد می‌گیرد و از شهادت برادرش با افتخار سخن به میان می‌آورد. هرچند حسینی‌پور سعی دارد آتش خشم و کینه خود را از بعضی‌های عراقی در متن بروز ندهد، ولی این تجربیات و دیدن صحنه‌های خشونت‌بار آن‌ها و جسارتشان نسبت به شهدا، موجب دیدگاه منفی او نسبت به عراقی‌ها شده است. او از این دیدگاه منفی استفاده‌ای مثبت می‌کند؛ عدم اعتماد او به نگهبانان و عدم همکاری او با بازجوها سبب

حفظ اطلاعات می‌شود. حضور او در جزیره مجنون و درگیری او با حوادث پد خندق موجب درگیری ذهنی او از چرایی وقوع برخی حوادث در جنگ می‌شود.

روایت

ترتیب و توالی حوادث و رویدادها به صورت منظم و منسجم رعایت شده است. رویدادها دارای خط سیری شخصی و مستقیم هستند. تنها در بخشی از خاطراتش که به زمان گذشته و وطن برمی‌گردد این توالی شکسته می‌شود. روایت از سال ۱۳۶۷ در جزیره مجنون آغاز می‌شود و توصیف وقایع شب عملیات دیده‌بانی او و بالاخره محاصره نیروهای ایرانی و مقاومت آن‌ها در برابر دشمن ادامه می‌یابد. نقطه اوج داستان در واقع شب عملیات است که نهایت مقاومت و ایثار رزمندگان ایرانی را نشان می‌دهد ولی در انتها به محاصره دشمن در می‌آیند و بسیاری از نیروها شهید می‌شوند. از دیدگاه پژوهشگر، هر جا در دوران اسارت واقعه‌ای رخ داد که اسیران توانستند مقاومت کنند، منطقه اوج است. وقایع و رویدادها زمان اسارت را با دقت کامل بیان می‌کند. تکریت - کمپ ملحق برخی از اسیران در زندان و بر اثر شکنجه از دست می‌روند. رفتار بعضی‌های عراقی سرشار از خشم و نفرت است. آن‌ها انسانیت را به سخره می‌گیرند؛ بسیاری از بیماران به دلیل عدم رسیدگی صحیح، شکنجه و شهید می‌شوند و تنها برخی از اسیران زنده می‌مانند. نویسنده سعی کرده است در خلال واقعیت اسارت، به صورت هم زمان برخی حوادث مهم ایران و عراق را ذکر کند: مثل ارتحال امام خمینی، زلزله منجیل، حمله ناو آمریکایی به هواپیمای ایرانی، حمله عراق به کویت. وی پس از تحمل دو سال اسارت به ایران باز می‌گردد و با استقبال مردم روبه‌رو می‌شود.

تحلیل محتوایی

شخصیت‌پردازی

شخصیت یکی از عناصر واقعی و عینیت‌دهنده به زندگی اجتماعی اثر است و انسان و یا به عبارت دیگر شخصیت اساس و پایه هر داستان است. پایی که ج ماند از نوع یادداشت روزانه و برحسب خاطرات عینی و مشهود نویسنده اثر است. شخصیت‌های داستان، مصداق خارجی دارند و همین امر سبب جذابیت و هم‌ذات‌پنداری مخاطب با شخصیت‌ها می‌شود. البته گاهی نویسنده به دلیل حفظ آبروی برخی افراد یاد شده، از ذکر نام دقیق آن‌ها در خاطره خودداری می‌کند؛ مانند کریم - م. ه. شخصیت‌ها به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: ۱- شخصیت اصلی؛ ۲- شخصیت فرعی.

شخصیت اصلی (سید ناصر)

داستان از زبان او، نویسنده، نقل می‌شود و خود اسارت و تمام اتفاقات ذکر شده در کتاب را تجربه می‌کند. تعقل و دوراندیشی، صبر، انس با قرآن و نماز از ویژگی‌های شخصیت اصلی است.

شخصیت‌های فرعی

شخصیت‌ها برحسب روایت به دو دسته زمانی ۱- قبل از اسارت و ۲- بعد از اسارت دسته‌بندی می‌شوند. شخصیت‌های این اثر در دوره کوتاه قبل از اسارت با او همراه هستند؛ بیشتر شخصیت‌ها

مقطعی و گذرا هستند. تعداد زیاد شخصیت‌ها گاه موجب کلافگی مخاطب می‌شود. نویسنده گاه تنها شخصیت، نام و نام خانوادگی، اصالت فردی، خاطره کوتاهی از گذشته او را بیان می‌کند و نحوه شهادت یا اسارت آن‌ها را شرح می‌دهد.

آئین دوران اسارت

همچنان که رزمندگان در صحنه‌های جنگ تحمیلی با صبر و استقامت، دشمن را در عملیات نظامی ناکام گذاشتند، در دوران طاقت‌فرسای اسارت نیز، با مقاومت و روحیه پایداری، خشم و بی‌رحمی شکنجه‌گران بعضی را بی‌نتیجه گذاشتند. اسیران اسوه صبر و استقامت هستند. رزمندگان در بند تصویرهای زیبایی از مقاومت و ایثار در برابر شکنجه‌های روحی و جسمی بعضی‌های عراقی که یا برخاسته از شکست‌های عراق در دوره‌های مختلف جنگ و یا برخاسته از عقده‌های روحی و روانی آن‌ها بود، ترسیم کردند. در یک پژوهش آماری معلوم گردید که بیش از نود درصد آزادگان شکنجه شده‌اند و سی‌وهفت درصد در اثر این شکنجه‌ها دچار معلولیت گشته‌اند. (وکیلی،

۵۶:۱۳۷۴)

ایثار و شهادت

ایثار به معنی از خودگذشتگی و مقدم داشتن دیگران بر خود و از ارزش‌های متعالی اسلامی است. آنکه با وجود نیازمندی، رفع احتیاج دیگری را برگزیند یا هنگام برخورد منفعت‌ها، منفعت دیگری را ترجیح دهد و یا به هنگام خطر خود را در آن افکند تا دیگری را نجات دهد، ایثارگر است. (اکبری، ۱۳۸۷: ۲۸۰) ایثارگری در اموال و ایثار در رسیدگی به اسیران و بیماران از آئین‌های اصلی دوران اسارت و از ویژگی شخصیت‌های ایرانی داستان است. برای مثال:

«بچه‌ها شب قبل را تا صبح با تشنگی سر می‌کردند، تعدادی از اسرای سالم کنار مجروحین تا صبح نخوابیدند. آن‌ها سعی می‌کردند فضای بیشتری در اختیار مجروحین قرار دهند تا راحت‌تر دراز بکشند.» (حسینی‌پور، ۱۳۹۳: ۱۸۴)

«دستم را به طرف نوک پد جایی که شهیدان جان محمد کریمی و ابراهیم نویدی پور را آتش زده بودند، کشیدم و گفتم: خون ما از دوستان‌مون که رنگین‌تر نیست، آگه قرار باشه دلیل بشیم، کشته بشیم بهتره!» (همان: ۱۳۰)

برادری و وحدت

مطابق توضیح نویسنده، عناوین، درجه، ارتشی، بسیجی و ... معنا نداشت؛ همه یک‌دل و یک‌رنگ بودند. وجود فرمانده هم‌دل و مسئله برادری و یک‌دلی چنان برای رزمندگان جذاب بود که گاه دو به دو یا به صورت گروهی عقد اخوت می‌بستند و صیغه برادری می‌خواندن و حتی مراسم دعا و نیایش به صورت گروهی برگزار می‌کردند تا وحدت میان رزمندگان و اسیران بیشتر شود. ارشد وظیفه تقسیم کار و وظایف اردوگاه را داشت که نقش رهبر و بزرگ‌تر مجموعه را ایفا می‌کرد و درخواست‌های اسیران را به عراقی‌ها منتقل می‌کرد و رابط میان اسیران و عراقی‌ها بود. آن‌ها حافظ

منافع دینی و ملی و نماینده اسیران محسوب می‌شدند. وحدت و تبعیت و یک‌دلی میان اسیران موجب شده بود تا آن‌ها بتوانند رنج و مصائب اسارت را تحمل کنند. فعالیت‌های فرهنگی و نماز جماعت و عید نوروز و تقسیم کار شد.

«فرمانده محور عملیاتی قرارگاه نصرت است و یک‌پایش مصنوعی است. وقتی دژبان‌ها او را می‌زدند، بهشان گفت: بزنی، مگه قرار نیست یه روز بمیرم و توی قبر، مار و عقرب جنازه منو بخورن؛ بزنی! آدم شوخ و با روحیه‌ای بود. صبوری و استقامت جوون در مقابل ضرب‌وشتم عراقی‌ها مثال‌زدنی بود. او را بردند و دیگر هیچ‌وقت ندیدمش!» (همان: ۲۴۸)

«از این‌که از زندان الرشید می‌بردم، خوشحال بودم. از تحقیرهایی که در المیمونه مقر سپاه چهارم عراق و این زندان شده بودم، بدجوری دلم می‌گرفت. خاطرات و تحقیرهای اولین روز ورودم در المیمونه عذابم می‌داد. دوست داشتم هر دو پام را قطع می‌کردند، اما در المیمونه آن‌طور تحقیر نمی‌شدم. صبح همان روز اول که ما را در راهروی توالت‌ها اسکان دادند، من کنار در ورودی توالت به دیوار تکیه داده بودم. یکی از دژبان‌ها که برای رفع حاجت وارد دستشویی شد. روی بدنم ادرار کرد. سرم را پایین انداختم و دهان و چشمانم را بستم تا ادرارش درون چشمان و دهانم نریزد. یادآوری این صحنه خوره جانم شده بود و بدجوری حرصم را درمی‌آورد.» (همان: ۳۳۰)

محتوای مذهبی

انس با قرآن

نماز مهم‌ترین و برترین وسیله یاد خداست، یاد خداوند نگرانی، ترس و دلهره را از خانه دل‌فراری می‌دهد. به همین دلیل خداوند متعال از مؤمنان می‌خواهد که در کنار استقامت و پایداری، سپاه سختی‌ها و ناملایمات را از بین ببرند. (تقی‌زاده اکبری، ۱۳۸۷: ۲۰۴) مطابق توضیح نویسنده اسرا با جمع‌آوری کاغذهای پاکت سیمان و زورق‌های سیگار و نوشتن دعاهای مفاتیح و سوره‌های قرآن، دفترچه‌های جیبی زیبایی درست کرده بودند. بیشتر قرآن‌های دست‌نویس شده، نوبتی بین اسراء می‌چرخید. هر هفته سهمیه استفاده هر نفر دو ساعت بود. زمان شهادت قرآن می‌خواندند و موقع درد و شکنجه، تنها درمان دردهایشان قرآن بود. برخی آیات قرآن را ذکر می‌کردند: «به اتفاق سید محمد شفاعت رفتیم کنار سیم‌های خاردار. برای شب قدر دنبال قرآن می‌گشت. قرآن و دعاهای مفاتیح دست‌نویس بین بچه‌ها پیدا می‌شد.» (حسینی‌پور، ۱۳۹۳: ۴۷۳)

عشق و محبت به اهل بیت (ع) و امام خمینی (ره)

سال‌های سنگین و تلخ و دشوار اسارت، یادآور روزهای دردناکی است که بر اسیران کوفه و شام گذشته بود. آزادگان در نبرد به یاد مصائب اهل بیت صبوری و شکیبایی می‌کردند. آن‌ها برای تقویت روحیه و ایمان خود را به منشأ نورانی اهل بیت متصل می‌نمودند و از امام خمینی (ره) تبعیت می‌کردند. (تقی‌زاده اکبری، ۱۳۸۷: ۵۸۰) مطابق توضیح نویسنده، «در شب وفات حضرت فاطمه

زهراس) مثل همیشه، از تلویزیون عراق ترانه پخش می‌شد.» (حسینی پور، ۱۳۹۳: ۵۸۲) «مراسم جشن میلاد امام عصر (عج) با امکانات کم، به دور از چشم عراقی‌ها برگزار شد.» (همان: ۵۹۳)

«فرهنگ عاشورا جریان ذهنی و روح رزمندگان بود. خواندن زیارت عاشورا، برپایی مراسم سوگواری اباعبدالله و تطبیق صحنه‌های جنگ با عاشورای اباعبدالله، نحوه برخورد عراقیان با اسیران که یادآور رفتار یزیدیان با امام حسین (ع) بود. هر شهیدی متناسب با شکل شهادت به یک از شهیدان کربلا تشبیه می‌شد. اگر دست‌ها قطع می‌شد یا سمت سقاییت داشت به ابالفصل العباس (ع) اگر نوجوان بود به قاسم (ع) اگر تشنه بود به نام اصحاب اباعبدالله می‌توانست مورد توجه باشد.» (همان: ۴۱)

«یکی از اسیران بر روی لباسش شعار نوشته بود: «خمینی رهبر ماست.» آن‌ها از او خواستند لباسش را در بیاورد، ولی او حاضر نشد این کار را انجام دهد. عراقی‌ها او را به شدت کتک زدند. آدم شجاع و تترسی بود و همان جایی که نشسته بود، دست چپش را زیر بینی‌اش گرفت، خون از لای انگشتانش می‌چکید. اسیر با انگشت خونی‌اش روی دیوار نوشت: خمینی!» (همان: ۲۴۵)

نتیجه‌گیری

درون مایه کتاب پایی که جا ماند اسارت است. حضور خود نویسنده و نحوه بیان و توصیفات دقیق و جزئی موجب تصویرسازی زیبایی از دوران اسارت می‌شود. هدف نویسنده این اثر که در ابتدای کتاب آمده است بیان درد و رنج‌های دوران اسارت و زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهیدان و ایجاد احساس مسئولیت نسبت به ایثار و از خود گذشتگی رزمندگان و شهدای هشت سال دفاع مقدس است. دوران اسارت تنها با توکل و ایمان به خدا و باورهای اعتقادی و حضور در جمع سایر اسیران هم‌وطن و وحدت و همدلی با آن‌ها قابل تحمل است. سید ناصر حسینی‌پور با بیان بی‌پرده بسیاری از شکنجه‌های روحی و غیرانسانی اسیران نفرت و توحش افول انسانیت عراقی‌ها را نشان می‌دهد. کمبود امکانات و محدودیت‌های دوران اسارت موجب خلاقیت و ابتکار اسیران ایرانی شد. کتاب دارای وحدتی کلی در لحن روایی است و شمایی یکنواخت در یادداشت روزانه نویسی دارد. طرح مسیر به خوبی شکل گرفته و توصیف‌های خلاقانه‌ای در جهت شرایط آزادگان و وقایع تلخ و شیرین روزهای اسارت به رشته تحریر درآمده است. همچنین نویسنده با زاویه دید مناسب سعی داشته تا مخاطب را همچون دوربینی هم‌راستا به وقایع نزدیک کند. در این میان، داستان‌های بسیار تکان‌دهنده و نوع نگارش نویسنده در ایجاد حس تعلیق از کنش موقعیت‌های موازی، کتاب فوق‌را به اثری منحصر به فرد تبدیل کرده است. ساختار کتاب با توجه به انتخاب الگویی واحد در شناسایی محدوده مکانی و زمانی به شکلی منسجم چیده شده است و نویسنده سعی داشته در جهت آشنایی خواننده با فصل‌های مختلف، روایتی شناور و بی‌پیچ و خم را در فرم نگارش خود لحاظ کند. در کتاب پایی که جا ماند، روایت نویسنده از اسارت، نوعی ادامه مبارزه از جبهه جنگ و انتقال آن به اردوگاه اسرا است. مقاومت در برابر دشمن متجاوز که از جبهه به اردوگاه اسرا منتقل می‌شود؛

نتیجه این مقاومت نوعی آزادی یا شهادت است. شرایط اسارت، اعم از برخوردهای غیرانسانی عراقی‌ها، عدم رسیدگی به مجروحان، شکنجه و... موجب شکل‌گیری مقاومت به شکل‌هایی مختلف شده است. به‌ویژه، باورهای مذهبی در این مقاومت نقشی پررنگ دارد. در یک‌سو، شرایط اسارت باعث بروز رفتارهای به‌شدت انسانی مانند ایثار، وحدت و برادری شده است و از سویی دیگر، ویژگی‌های مذهبی را در میان اسرا تقویت کرده و آن‌ها با توسل به باورهای مذهبی نوعی روحیه مقاومت و تحمل اسارت را شکل داده‌اند.

- ابروانی، محمدرضا، (۱۳۹۰)، بر سمنند خاطره (نگاهی تازه به خاطره‌نویسی)، ج ۱، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- نورانی، مرتضی، ابوالحسنی ترقی، مهدی، «مقایسه تحلیلی خاطره‌نگاری با تاریخ شفاهی»، فصلنامه گنجینه اسناد، سال بیستم، دفتر چهارم، زمستان ۱۳۸۹
- دهقان، احمد، (۱۳۸۶)، خاک و خاطره، تهران، صریر.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۷)، انواع ادبی (ج ۲)، تهران، فردوس.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۷)، سبک‌شناسی نثر، تهران: میترا.
- قانونی، مریم، (۱۳۸۷)، تحلیل و مقایسه سنت خاطره‌نگاری در عصر مشروطه (۱۳۲۰ ق-۱۳۴۰ ق)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- کمری، علیرضا، (۱۳۸۳)، با یاد خاطره (ج ۱)، درآمدی بر خاطره‌نویسی و خاطره‌نگارستان‌های پارسی در تاریخ ایران، تهران، سوره مهر.
- کمری، علیرضا، (۱۳۸۱)، یاد مانا (پنج مقاله درباره خاطره‌نویسی و خاطره‌نگارستان‌های جنگ و جبهه)، تهران، سوره مهر.
- ابروانی، محمدرضا، «نگاهی به خاطره‌نویسی و مقایسه آن با زندگی‌نامه و سفرنامه»، مجله زبان و ادبیات فارسی، س ۳، ش ۸، پاییز ۸۶.
- زنجیر، محمود، «آسیب‌شناسی خاطره‌نویسی جنگ (مطالعه موردی مجموعه خاطرات هفت ستون)»، فصلنامه مطالعات تاریخی جنگ، سال اول شماره دوم، زمستان ۱۳۹۵.
- زنجیر، محمود، اسدی، مهتاب، «بررسی عناصر و جزئیات بافت در مجموعه خاطره (پایی که جا ماند)»، نشریه ادبیات پایداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال دوازدهم، شماره بیست‌وسه، پاییز و زمستان ۱۳۹۹.
- منصور طبعی و همکاران، «مطالعه تجربه اسارت در جنگ ایران و عراق: بررسی رمان‌های «پایی که جا ماند» و «حکایت زمستان» با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۰(۲)، تابستان ۱۳۹۶.
- حسینی‌پور، سید ناصر، (۱۳۹۰)، پایی که جا ماند، تهران، سوره مهر.
- تقی‌زاده اکبری، علی، (۱۳۸۷)، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، قم، زمزم هدایت.
- شیرشاهی، افسانه، «تحلیل ساختار و محتوای رمان «در شعله‌های آب» از مرتضی مردی‌ها»، دو فصلنامه ادبیات دفاع مقدس دانشگاه شاهد، دوره ۵، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، (پیاپی ۸).
- فورستر، اد. ارد مورگان، (۱۳۸۴)، جنبه‌های رمان، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر نگاه، ج ۵.
- سنگری، محمدرضا، (۱۳۹۲)، ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، تهران، پژوهشگاه دفاع مقدس.
- سنگری، محمدرضا، (۱۳۹۲)، ساحت‌های مطالعاتی ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، پیشنهاد برای پژوهش و مطالعه، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نجفی، زهره و صادقی‌نیا، «تحلیل روان‌شناختی شخصیت‌ها در رمان من زنده‌ام»، مجموعه مقالات همایش ملی ادبیات پایداری، جلد چهارم، صریر.
- تسلیمی، علی، (۱۳۹۰)، نقد ادبی، تهران: کتاب‌آمه.
- رحماندوست، مجتبی، «رمان مقاومت، منابع، مضامین و بایدها»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۵۶، ۱۳۷۹.